

## فرا تر از تجربه (بازکاوی مبادی علوم انسانی)

حسن صیانتی\*

### چکیده

هرچند از زمان طرح و گسترش اندیشه‌های علم‌گرایانه صرف<sup>۱</sup> و اثبات‌گرایانه<sup>۲</sup> که عرصه را بر علوم انسانی تنگ نمود، زمان زیادی می‌گذرد، ولی این جدال به صورتی پنهان همچنان در جریان است. در کشور ما نیز خصوصاً با رشد فناوری و پیشرفت صنعتی این ذهنیت پدید آمد که علوم انسانی مکانی برای طرح و ضرورتی برای پرداختن ندارد. هرچند این تفکر، یک تفکر غالب نیست، از لطمات آن نمی‌توان غافل بود.

ماهیت علوم انسانی، حضور آن را در عرصه اندیشه بشری ایجاب و بلکه ناگزیر می‌سازد. همچنان‌که سخن گفتن از انسان و پرداختن به همه ابعاد آن با دشواری همراه است، این دشواری به علوم انسانی نیز سرایت می‌کند. ضرورت نخست در این حوزه روشن نمودن ماهیت علوم انسانی و تفاوت‌های آن با علوم تجربی است و به دلیل گستردگی این بحث که شامل تفاوت‌های غایی (هدف)، موضوعی، کاربردی و تفاوت‌های روشی می‌گردد، ما صرفاً در دو زمینه موضوع و روش به بیان ویژگی‌های علوم انسانی و تفاوت‌های آن با علوم تجربی می‌پردازیم.

ذهنی بودن<sup>۳</sup> موضوع علوم انسانی در مقابل عینی بودن<sup>۴</sup> موضوع علوم تجربی، پیچیدگی‌های روابط انسانی، مفهوم تجربه و استقراء در علوم تجربی و بررسی برخی خصوصیات تجربه، مانند تعمیم‌پذیری و تکرارپذیری از موضوعاتی است که بررسی شده است. در ادامه به مخاطره‌آمیز بودن تجربه در علوم انسانی و آسیبی که تمدن غرب از این ناحیه خورده است، اشاره شده و در پایان در

---

\*. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم سبزوار

۱. scienticism
۲. positivism
۳. subjective
۴. objective

قالب تأملاتی دیدگاه فایده گرایانه<sup>۵</sup> نسبت به علوم انسانی و لزوم واقع گرایی در علوم انسانی بررسی شده است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، روش تحقیق، استقراء، علوم تجربی، تجربه.